



Providing a Framework of Behavioral Policy for Organizing Child labour

Shams Al Sadat Zahedi ¹ | Ali Asghar Pourezat ² | Reza Vaezi ³ | Negin Yavari ⁴

1. Professor, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

E-mail: szahedi44@hotmail.com

2. Professor, Public Administration, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. E-mail: pourezzat@ut.ac.ir

3. Professor, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

E-mail: theory.management@yahoo.com

4. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. E-mail: negin.yavari@ymail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-11-17

Received in revised form:

2025-01-18

Accepted: 2025-01-27

Published online:

2025 - 02 - 02

Keywords:

Behavioral Policymaking,
Behavioral Instrument,
Mandatory Instrument,
Voluntary Instrument, Public
Awareness And Publicity,
Child Labour

ABSTRACT

Objective: Despite numerous efforts by formal and informal institutions to manage behavior in the issue of child labor, the efforts made have not led to the realization of the goals of this field and specifically to reduce the number of these children and the problems related to them. The aim of this study, emphasizing the importance of behavioral strategies in organizing child labor, points to the important intersection between policymaking and supporting children's rights in order to reduce the problem of child labor in society.

Method: The research was developmental in terms of purpose and qualitative research with interpretive philosophical foundations and content analysis with the Attride-Stirling (2005) approach in the form of basic, organizing, and comprehensive themes. To determine the interviewees, we used two groups of academic experts and executive experts. A theoretical and convenient sampling method was used, which was carried out to the extent of achieving theoretical saturation of the interviews. Theoretical saturation was achieved after interviewing the twelfth person.

Findings: By studying the data and information extracted from the interviews, 257 verbal witnesses, 633 open codes (primary concepts), 115 basic themes, 33 organizing themes, and 10 Global themes were identified. In order to determine the reliability and validity of the extracted codes, the Lincoln and Guba (1985) evaluation method was used for validation based on the four axes of reliability, confirmability, repeatability, and verifiability. The main categories identified are: capabilities and capacities of institutions responsible for child labor, review and revision of macro policies, alignment of goals and performance of institutions, organizations and programs, environmental uncertainty, legislation and policy formulation, development of management skills of guardians, design and change of behavioral mechanisms and development of social protections for working children.

Conclusion: Addressing child labor through behavioral policy requires a multifaceted approach that considers the economic, educational and social dimensions of the issue. Effective strategies should involve children, families and communities while promoting education and legal protections.

Cite this article: Zahedi, Sh., Pourezat, A., Vaezi, R., & Yavari, N. (2024). Providing a Framework of Behavioral Policy for Organizing Child labour. *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1), 259-284.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

طراحی چارچوبی از خط‌مشی‌های رفتاری برای ساماندهی کودکان کار

شمس السادات زاهدی^۱ | علی اصغر پورعزت^۲ | رضا واعظی^۳ | نگین یاوری^۴

۱. استاد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: szahedi44@hotmail.com

۲. استاد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir

۳. استاد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: theory.management@yahoo.com

۴. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: negin.yavari@ymail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: علیرغم تلاش‌های متعدد نهادهای رسمی و غیررسمی درباره مدیریت رفتار در مسئله کودکان کار تلاش‌های صورت گرفته منجر به تحقق اهداف این حوزه و به‌طور مشخص کاهش آمار این کودکان و نیز کاهش مشکلات مربوط به آن‌ها نشده است. هدف این پژوهش با تأکید بر اهمیت راهبردهای رفتاری در ساماندهی کودکان کار، به تالاقی مهم بین خط‌مشی‌گذاری و حمایت از حقوق کودکان اشاره می‌کند تا معضل کودکان کار در جامعه کمتر شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷	روش: پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش گردآوری داده از نوع تحقیق کیفی با مبانی فلسفی تفسیرگرایی و از تحلیل مضمون با رویکرد اتراید - استرلینگ (۲۰۰۵) در قالب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر بوده است. در بخش نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری و در دسترس استفاده شده است. برای تعیین مصاحبه‌شوندگان از دو گروه خبرگان دانشگاهی و خبرگان اجرایی بهره بردیم که اشیاع نظری پس از مصاحبه با نفر دوازدهم حاصل شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹	یافته‌ها: با مطالعه داده‌ها و اطلاعات استخراج‌شده از مصاحبه‌ها درنهایت، ۲۵۷ شاهد گفتاری، ۶۳۳ کد باز (مفهوم اولیه)، ۱۱۵ مضمون پایه، ۳۳ مضمون
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸	سازمان دهنده و ۱۰ مضمون فراگیر شناسایی شدند. به‌منظور تعیین پایایی کدهای استخراجی، روش ارزیابی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) جهت اعتبارسنجی بر اساس چهار محور اعتبار پذیری، تأیید پذیری، تکرارپذیری و اثبات‌پذیری استفاده شده است. مقوله‌های اصلی شناسایی‌شده عبارت‌اند از: توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نهادهای مسئول کودکان کار، بررسی و بازبینی خط‌مشی‌های کلان، همسوسازی اهداف و عملکرد نهادهای سازمان‌ها و برنامه‌ها، عدم اطمینان محیطی، قانون‌گذاری و تدوین خط‌مشی‌ها، توسعه مهارت‌های مدیریتی متولیان، طراحی و تغییر سازوکارهای رفتاری و توسعه حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار، ابزارهای اجباری و داوطلبانه اجرا.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴	نتیجه‌گیری: پرداختن به کودک کار از طریق خط‌مشی رفتاری نیازمند رویکردی چندوجهی است که ابعاد اقتصادی، آموزشی و اجتماعی موضوع را در نظر می‌گیرد. راهبردهای مؤثر باید کودکان، خانواده‌ها و جوامع را درگیر کند و درعین حال آموزش و حمایت‌های قانونی را ارتقا دهد.
کلیدواژه‌ها:	
خط‌مشی‌گذاری رفتاری، ابزارهای رفتاری، ابزارهای اجباری، ابزارهای داوطلبانه، آگاهی‌رسانی و تبلیغات عمومی، کودکان کار	

استناد: زاهدی، شمس السادات، پورعزت، علی اصغر، واعظی، رضا، و یاوری، نگین. (۱۴۰۳). طراحی چارچوبی از خط‌مشی‌های رفتاری برای ساماندهی کودکان کار؛

بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱۵ (۱)، ۲۵۹-۲۸۴.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

در سرتاسر جهان، پژوهشگران و مؤسسه‌های عمومی اذعان می‌کنند که درک بهتر رفتار انسانی می‌تواند خطمشی عمومی را بهبود بخشد (دیویس و همکاران^۱، ۲۰۲۲). هدف پژوهشگران و نهادهای عمومی، برگرفته از پژوهش‌ها در علوم رفتاری، پاسخ‌گویی به این پرسش است که چرا انسان‌ها به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند و آیا می‌توان از این بینش‌های رفتاری^۲ در مباحث خطمشی‌گذاری استفاده کنند. نهادهای عمومی اغلب از گروه‌هایی با عنوان بینش رفتاری به‌منزله روشی متمرکز برای ادغام رویکردهای رفتاری در خطمشی عمومی استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر از بینش‌های رفتاری برای اجرایی شدن بهتر خطمشی بهره می‌گیرند (مک‌گان و همکاران^۳، ۲۰۱۸). این تیم‌ها معمولاً پژوهش‌های رفتاری و تخصصی خطمشی را برای رسیدگی به مسائل خطمشی با ابعاد رفتاری به‌صورت موردی، ترکیب می‌کنند (جان و استوکر^۴، ۲۰۱۹؛ استراهایم و همکاران^۵، ۲۰۱۵).

به گفته سیجودو و میشل^۶ (۲۰۲۱)، حل مشکلات پیچیده یکی از چالش‌های حیاتی برای خطمشی‌گذاری و اداره عمومی امروز است. به همین دلیل است که برای درک بهتر مشکلاتی که به آن‌ها رسیدگی می‌شود، یک چارچوب خطمشی لازم است. درواقع، این چارچوب می‌تواند از منظر نظری در زمینه‌های بی‌شماری و به‌ویژه آن‌هایی که بازیگران زیادی در آن دخیل هستند، قوانین وسیع، بازه‌های زمانی بزرگ و درجات بالایی از پیچیدگی، اعمال شود (سیجودو و میشل، ۲۰۲۱؛ بانها و همکاران^۷، ۲۰۲۲). خطمشی عمومی، یک مسیر عملی است که توسط دولت در پاسخ به مشکلات عمومی اتخاذ یا ایجاد می‌شود. مشکلات عمومی آن دسته از مسائلی هستند که توسط مردم و رهبران منتخب در اولویت پاسخ دهی قرار گیرند. خطمشی عمومی همه‌چیز در مورد انتخاب است. تشخیص خطمشی‌های عمومی دولت همیشه آسان نیست. البته، خطمشی عمومی شامل قوانینی است که توسط نهادهای قانون‌گذاری تصویب می‌شود. خطمشی همچنین شامل مقررات اعلام‌شده توسط سازمان‌های اجرایی است که این مقررات اغلب مسائل مبهم را به گام‌های قابل اجرا تبدیل می‌کند (آتار^۸، ۲۰۲۲). چشم‌انداز لاسول^۹ و دیگران در دهه ۱۹۵۰ از علوم خطمشی که به بهبود جامعه اختصاص داده شده بود در چرخه خطمشی تجلی می‌یابد (لاسول، ۱۹۵۶، ۱۹۷۱). تأکید بر خطمشی‌گذاران برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی از طریق مشورت مبتنی بر شواهد، تصمیم‌گیری با منافع عمومی و فراگرد مستمر ارزیابی و یادگیری، آرمانی از فرآیندهای خطمشی را به تصویر می‌کشد که در آن، اهداف و ابزارهای خطمشی‌گذاری عمومی، در راستای منافع عمومی قرار دارند (داگبیرگ و مک کانل^{۱۰}، ۲۰۲۱).

با حرکت به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی و هم‌زمان با بهبود وضعیت اقتصادی، مشکلات دیگری به وجود آمده‌اند. بروز مسائل اجتماعی و فرهنگی ازجمله پیامدهای صنعتی شدن جوامع بوده است و در بین این مسائل، مسئله کودکان کار و خیابان به‌منزله یک مسئله جدی در اکثر شهرهای بزرگ جهان دیده می‌شود (الغاضی و همکاران، ۲۰۲۲). کودکان بزرگ‌ترین سرمایه ملی‌اند؛

1 Dewies

2 behavioural insights (BIs)

3 McGann et al

4 John & Stoker

5 Straßheim

6 Cejudo and Michel

7 Banha et al

8 Atar

9 Lasswell

10 Daugbjerg, & McConnell

از این رو حفظ و بقای هر جامعه بستگی به پرورش و تربیت صحیح کودکان آن جامعه دارد. فراگرد اجتماعی شدن و تعلیم و تربیت آن‌ها باید به صورت کامل و با بهترین کیفیت انجام شود و تحت توجه و نظارت شدید خانواده و جامعه باشد (لاکداوا و همکاران، ۲۰۲۲).

حمایت اجتماعی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای مبارزه با کودکان کار باشد. تضمینی وجود ندارد که در همه موارد تعداد کودکان کار را کاهش دهد. برای مثال، فراهم‌سازی مزایای نقدی برای خانواده‌ها، می‌تواند تقاضا برای کودک کار را کاهش دهد و برنامه‌ریزی مالی خانواده‌ها در آموزش کودکان را افزایش دهد؛ اما در عین حال، اعطای چنین مزایای نقدی می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری خانواده‌ها در فعالیت‌های تولیدی، مانند نهادهای دامی یا کشاورزی شود که به طور بالقوه، می‌تواند باعث افزایش تقاضا برای کودکان کار، از طریق گسترش فعالیت‌های اقتصادی خانواده گردد که ممکن است کودکان را به کودکان کار تبدیل کند. برای کمک به اطمینان از اینکه سرمایه‌گذاری‌های خانواده‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی باعث افزایش کودکان کار نمی‌شود، ویژگی‌های طراحی برنامه‌های حمایت اجتماعی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. میزان مبلغ واریزی به کودکان، منظم بودن و قابل پیش‌بینی بودن مبالغ پرداختی و مدت پرداخت‌ها همگی می‌توانند در سرنوشت کودکان کار تأثیرگذار باشند؛ علاوه بر این، از آنجاکه کودک کار تحت تأثیر قوانین ملی کودک کار و ظرفیت اجرایی، هنجارهای اجتماعی، بازارهای محلی و زیرساخت‌ها و همچنین دسترسی و کیفیت مدرسه قرار می‌گیرد، ویژگی‌های طراحی برنامه باید این عوامل را در نظر بگیرد تا در کاهش آن مؤثر باشد. به طور کلی، این ترکیبی از خط‌مشی‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی (تحت حمایت قوانین و اجرای مناسب ملی) است که برای ارائه خانواده‌ها و کودکان با جایگزین‌های بادوام و پایدار برای کودکان کار مورد نیاز است (ثنون، ادموندز^۱، ۲۰۱۹؛ یونیسف^۲، ۲۰۲۲).

در ایران درباره کودکان کار آمارهای مختلف و متناقضی اعلام می‌شود. برخی مطالعات نشان می‌دهد جمعیت کودکان کار در خیابان و کودکان خیابانی در شهرهای بزرگ ایران رو به گسترش است؛ مهم‌ترین علت این افزایش هم به نظر رشد جمعیت مهاجران افغانستانی است. طبق گزارش مرکز تحقیقات مجلس حداقل ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک از چرخه تحصیل باز ماندند. بر اساس آمارها تعداد کودکان کار ایران در بازه‌ای بین یک میلیون و ششصد هزار نفر تا ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده است. حدود ۳ میلیون و پانصد هزار کودک حاشیه‌نشین و بیش از ۷۰۰ هزار کودک مهاجر و پناهنده وجود دارد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به آسیب‌شناسی نظارت مؤثر بر عدم استفاده از کار کودکان پرداخت و نوشت: بر اساس آمارها کار کودک گریبان گیر حدود ۸ درصد و با احتساب کودکان خانه‌دار حدود ۱۵ درصد از کودکان کشور است؛ حدود ۱۰ درصد از کودکان کار به مدرسه نمی‌روند. بر اساس آمارها، کار کودک گریبان گیر حدود ۸ درصد و با احتساب کودکان خانه‌دار حدود ۱۵ درصد از کودکان کشور است، در این میان حدود ۱۰ درصد از کودکان کار به مدرسه نمی‌روند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱).

نتایج بررسی‌ها بیانگر آن است که اگرچه تا سال (۱۳۸۱) قانون مشخصی در زمینه‌ی کودکان کار و خیابان وجود نداشته است اما در این سال قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۹ ماده به تصویب رسید. در ادامه با توجه به چالش‌های متعدد در این قانون، در سال (۱۳۹۹) قانونی جامع‌تر تحت عنوان قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» به تصویب رسید که در ماده (۶) آن به وظایف دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اشاره شد تا علاوه بر رفع ابهام از تکالیف نهادهای متولی، دایره شمول وضعیت مخاطره‌آمیز برای کودکان و جرائم و مجازات در این زمینه نیز مشخص گردد؛ باین حال ضعف ضمانت اجراها و نبود زیرساخت‌های الزام در

1 Thévenon, Edmonds

2 UNICEF

سازمان‌ها جهت انجام کامل وظایف تعیین‌شده، منجر به اجرای ناقص، غیرمستمر و دوره‌ای این قانون شده و در برخی موارد دستگاه‌ها به‌صورت جزیره‌ای به انجام وظایف اقدام می‌کنند.

از آنجاکه موضوع کودکان کار و خطمشی‌گذاری‌های دولت موضوعی جدید و حائز اهمیت است و همچنین در ایران توجه چندانی به آن نشده است، پژوهشگر بر آن شد تا با مطالعه این موضوع، اهمیت آن را خاطرنشان سازد. در ایران نگاه پژوهشی به خطمشی‌گذاری برای تغییر رفتار کم بوده است و پژوهش‌های انجام‌شده تنها به موضوع کودکان کار پرداخته است و در مورد ساماندهی و خطمشی‌گذاری برای تغییر رفتار کودکان کار پژوهشی صورت نگرفته است. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود با توجه به اطلاعات و مستندات قانونی کودکان کار در ایران و با بررسی ابعاد آن بتوان ضعف‌های خطمشی‌گذاری حوزه کودکان کار را شناخته و برای ارتقای عملکرد این سازمان اقدام شود و درنهایت مدلی مطلوب برای خطمشی‌های حوزه تغییر رفتار کودکان کار ارائه داده تا سازمان‌ها بتوانند از آن بهره‌برده و مسائل و مشکلات کودکان کار را کاهش داده و ساماندهی کنند؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش چارچوب خطمشی رفتاری در حوزه ساماندهی کودکان کار چیست؟

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

خطمشی‌گذاری عمومی

خطمشی‌های عمومی توسط نهادهای دولتی و مقامات تدوین می‌شود (البته بازیگران و عوامل غیردولتی ممکن است بر توسعه خطمشی عمومی تأثیر بگذارند). خطمشی‌های عمومی آن‌هایی هستند که توسط مقامات و سازمان‌های دولتی تولید می‌شوند. آن‌ها همچنین معمولاً تعداد قابل‌توجهی از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مفاهیم متعددی از این مفهوم از خطمشی عمومی به‌عنوان یک اقدام نسبتاً باثبات و هدفمند وجود دارد که توسط دولت در برخورد با مشکل یا موضوع مورد نگرانی دنبال می‌شود. اولاً، این تعریف به‌جای رفتار تصادفی یا رویدادهای تصادفی، خطمشی را به اقدام هدفمند یا هدف مدار مرتبط می‌کند. خطمشی‌های عمومی در نظام‌های سیاسی مدرن، به‌طور کلی، به‌سادگی اتفاق نمی‌افتند. آن‌ها در عوض برای دستیابی به اهداف مشخص یا تولید نتایج قطعی طراحی شده‌اند، اگرچه این‌ها همیشه به دست نمی‌آیند؛ و عواقب ناخواسته ممکن است رخ دهد. خطمشی‌های پیشنهادی ممکن است به‌عنوان فرضیه‌هایی در نظر گرفته شوند که نشان می‌دهند اقدامات خاصی برای دستیابی به اهداف خاص انجام می‌شود (اندرسون، مویر و چیچیرا^۱، ۲۰۲۲).

پس از تشکیل جامعه و ایجاد حکومت در سطح ملی، قطعاً زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که هرچند ممکن است با آحاد افراد مرتبط باشد، ولی از لحاظ ماهیت، با مسائل و مشکلات فردی متفاوت است. برای برطرف کردن این مسائل و مشکلات، به تدابیر و راه‌حلهایی نیاز است که عموماً این تدابیر از سوی دولت و حکومت اتخاذ می‌شوند. یکی از روش‌های حل مسائل جامعه، خطمشی‌گذاری است. خطمشی‌گذاری مجموعه‌ای از بدیل‌ها بوده که شامل شناسایی راه‌حل‌های یک مشکل و سپس شناسایی و طراحی مجموعه خاصی از ابزار است که برای حل مشکل تدوین می‌شوند. خطمشی‌گذاری مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت به‌منظور حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی جامعه است. اندرسون تعریف جامعی از خطمشی‌گذاری ارائه داده است. وی خطمشی‌گذاری را مجموعه اقدام‌های هدفمند و نسبتاً ثابتی می‌داند که توسط بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در

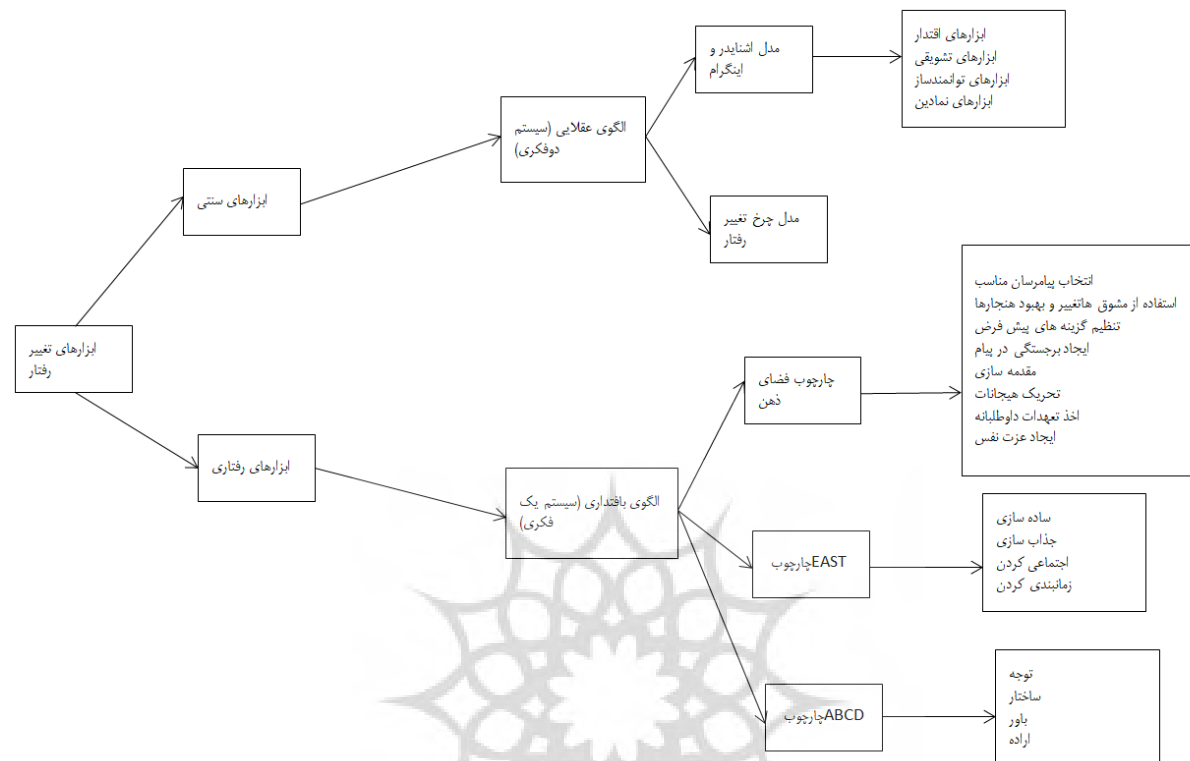
1 Anderson, Moyer, & Chichira

مواجهه با یک مسئله یا موضوع نگران‌کننده دنبال می‌شود. این تعریف به‌جای توجه بر آنچه تنها پیشنهادشده و قصد انجام آن وجود داشته، بر آنچه واقعاً انجام‌شده، تمرکز می‌کند، بنابراین خطمشی‌گذاری را از تصمیمی که اساساً انتخابی مشخص از میان بدیل‌هاست، متمایز می‌کند و آن را چیزی می‌نگرد که در طول زمان آشکار می‌شود (اندرسون^۱، ۲۰۱۱؛ عابدی و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

ابزارهای تغییر رفتار در خطمشی

توجه به ابزارهای خطمشی برای تغییر رفتار عموم و شکل‌دهی به انتخاب‌های شهروندان، از زمان انتشار مباحث اصلی این رشته، موضوع ادبیات خطمشی عمومی بوده است و حداقل ۳۰ سال در مورد آن تحقیق و پژوهش صورت گرفته‌شده است. باید متذکر شد که دو روش برای تغییر رفتار وجود دارد. شیوه اول، مبتنی بر تأثیرگذاری بر چیزی است که افراد آگاهانه به آن فکر می‌کنند. این روش را می‌توان الگوی عقلایی یا شناختی نام‌گذاری کرد. فرض اصلی در این الگو این است که شهروندان و مصرف‌کنندگان، قسمت‌های مختلف اطلاعاتی را که از سیاست‌مداران، حکومت‌ها و بازارها دریافت می‌کنند و نیز انگیزش‌های زیادی را که به آن‌ها عرضه می‌شود، تجزیه و تحلیل می‌نمایند؛ به همین دلیل، عمل افراد بازتابی از برترین علایق و منافعشان است. در حقیقت افراد علایق خود را تعیین و مشخص می‌کنند و به عبارتی خطمشی‌گذاران برترین علایق آن‌ها را تعیین می‌نمایند. بیشتر مداخلات و ابزارهای سنتی در خطمشی عمومی در جهت تغییر رفتار ذیل این الگو است. در مقابل، الگوی دیگری نیز برای تغییر رفتار وجود دارد که به فرایندهای غیرارادی‌تر تأثیرگذاری توجه دارند. این الگو تمرکز خود را از انتقال وقایع و اطلاعات برمی‌دارد و به تغییر بافت و زمینه‌ای که مردم در آن عمل می‌کنند، توجه دارد. به عبارتی می‌توان این الگو را الگوی «بافت» تغییر رفتار نامید (هاولت، موکهرجی و وو، ۲۰۱۸). در شکل زیر دسته‌بندی ابزارهای تغییر رفتار نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. دسته‌بندی ابزارهای تغییر رفتار (جیت‌سازیان و همکاران، ۱۴۰۱).

در آخرین و کامل‌ترین چارچوب ارائه شده در رویکرد رفتاری، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سعی کرده است تا با نگاهی جامع ذیل چارچوب ABCD ابزارهای مختلف رفتاری را معرفی کند. در جدول زیر به صورت کامل‌تر به این چارچوب پرداخته شده است.

جدول ۱. ابزارهای چارچوب ABCD (جیت‌سازیان و همکاران، ۱۴۰۱)

عوامل رفتار	محدودیت رفتاری	ابزار	توضیحات
ناظر به توجه	۱. فراموشی	رایج کردن	افراد را در زمان و در مکان مناسب و در موقعیتی که بیشتر تمایل دارند تا رفتار موردنظر را انجام دهند، درگیر نمود.
	۲. نادیده گرفتن		
	۳. رها کردن	جلب توجه	شامل برجسته‌سازی، استفاده از یادآورها، به کارگیری برانگیزاننده‌ها و جلب توجه اجتماعی
	۴. غفلت		
	۵. حواس‌پرتی	برنامه‌ریزی برای بی‌توجهی	شامل استفاده از پیش‌فرض‌ها، سازوکارهای ایمنی و پشتیبانی
	۶. ناتوانی در انجام چندوظیفه با هم		
ناظر به شکل-گیری باورها	۱. ماندن در باور پیشین تعصب (تأیید)	هدایت جست-وچوها	شامل جست‌وجو از طریق معیارهای تعریف‌شده، به کارگیری درخت سؤال
	۲. خطای نمونه‌برداری	شهودی کردن	باید اطلاعات را به نحوی ساختارمند، ارائه کرد که فهم آن برای افراد آسان باشد.
	۳. تخمین بیش‌ازحد و کمتر از حد	حمایت از	شامل استفاده از میان‌برهای ذهنی و به کارگیری اهرم تأیید اجتماعی

عوامل رفتار	محدودیت رفتاری	ابزار	توضیحات
	۴. مشکل داشتن با مفاهیم انتزاعی ۵. تکیه بیش از حد به میان‌برهای ذهنی و قضاوت‌های شهودی	قضاوت‌ها	
ناظر به انتخاب	۱. شک، ناامیدی و پشیمانی ۲. سوگیری وضع موجود ۳. حساسیت به چارچوب و ترتیب گزینه‌ها ۴. هنجارهای اجتماعی، انگیزه‌ها و معانی	جذاب سازی چارچوب‌بندی اجتماعی کردن	شامل در نظر گرفتن انگیزه‌های افراد، ایجاد دیدگاه جذاب برای فرد و برانگیختن احساسات فرد صورت‌بندی گزینه‌ها و آرایش و چینش گزینه‌ها نسبت به هم سهم مهمی در انتخاب افراد دارد شامل ارتباط با هویت‌های اجتماعی افراد و مقایسه با سایرین (شناختن و شناخته شدن با یک گروه و همچنین برانگیختن حس افراد نسبت به جایگاه خود در گروه) و ایجاد حس اجتماعی
	۱. ناسازگاری شناختی ۲. خستگی ذهنی ۳. به تعویق انداختن ۴. سرزنش بیش از حد خود	کاهش ناسازگاری و موانع ارائه برنامه و بازخورد ابزارهای تعهد اهرم هنجارهای اجتماعی	کاهش موانع کاری و همچنین ساده‌سازی که انجام یک عمل را آسان‌تر می‌کند. شامل کاهش تعداد کارها، تلنگر زدن یا پرسیدن سؤالاتی از مردم جهت دستیابی به هدفشان ارائه برنامه‌های اقدام در راستای هدف و بازخورد مستمر، می‌تواند به مردم در نیل به هدف کمک کند. تشویق مردم به اینکه متعهد به یک هدف خاصی به‌طور عمومی (نه خصوصی) شوند. در نتیجه افراد برانگیخته می‌شوند تا آبروی خود را حفظ کنند و به برنامه عمل می‌کنند. این هنجارها می‌توانند در دستیابی به اهداف خط‌مشی کمک کنند به‌ویژه زمانی که رفتار حامی اجتماعی ترویج می‌شود.
ناظر به اراده			

خط‌مشی‌های رفتاری و کودکان کار

چگونه می‌توانیم رفتار افراد را باهدفی خاص تغییر دهیم؟ این یک سؤال اصلی برای دانشمندان علوم اجتماعی و خط‌مشی‌گذارانی است که به دنبال بهبود مشکلات اجتماعی هستند، به این خاطر که در سال‌های اخیر متوجه شده‌اند که رفتار انسان در قلب بسیاری از این مشکلات قرار دارد. همان‌طور که گفته شد خط‌مشی‌گذاران به‌طور فزاینده‌ای به مفهوم «تغییر رفتار» علاقه‌مند شده‌اند. در طول چهل سال گذشته هم روان‌شناسان و هم اقتصاددانان شواهد تجربی جدیدی در مورد نحوه رفتار افراد در مواجهه با تصمیمات یا موقعیت‌های خاص ارائه کرده‌اند (هالسورث و سندرز^۱، ۲۰۱۶، ص ۱۱۸).

نگرانی در مورد اجرای برنامه‌های اجتماعی از این شناخت ناشی می‌شود که خط‌مشی‌ها را نمی‌توان جدا از ابزارهای اجرای آن‌ها درک کرد. همچنین در برخی موارد خط‌مشی‌ها مبتنی بر درک ضعیف و ناقص، از مشکلاتی است که قرار است به آن‌ها بپردازند (المور^۲، ۲۰۱۴). همان‌طور که در قسمت‌های قبل هم گفته شد، خط‌مشی‌های رفتاری در جهت اجرایی شدن بهتر خط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌های عمومی کاربرد دارند. به عبارتی دولت‌ها و سازمان‌ها در سرتاسر جهان استراتژی‌هایی را برای مقابله با پدیده‌ی کودکان کار اجرا کرده‌اند و بدنه‌ی رو به رشدی از بهترین شیوه‌ها در ۲۰ سال گذشته ظهور کرده است؛ اما برخی از رویکردها به دلیل پرهزینه

1 Hallsorth, & Sanders

2 Elmore

بودن، ناکارآمد بودن و یا حتی غیرمولد بودن موردانتقاد قرار گرفته‌اند. باید گفت که به‌طور فزاینده‌ای علوم رفتاری بینش‌هایی را در مورد چگونگی بهبود خطمشی‌ها ارائه کرده‌اند (گراف لمبسدورف^۱، ۲۰۱۵).

علوم رفتاری که ترکیبی از روان‌شناسی، اقتصاد و سایر علوم اجتماعی است شواهد چشم‌گیری در مورد رفتار افراد ارائه کرده است که از پارادایم عقلانی فاصله گرفته است. علوم رفتاری اغلب بر عیوب، با توجه به ظرفیت افراد برای بهینه‌سازی، خودکنترلی محدود و ترجیحات غیراستاندارد متمرکز شده است. با توجه به این سوگیری‌های شناختی، خطمشی‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که افراد را وادار به تصمیم‌گیری بهتر با توجه به اولویت‌هایشان می‌کند. این خطمشی‌های آگاهانه‌ی رفتاری، از اکتشافات، سوگیری‌های وضعیت موجود یا محدودیت‌های شناختی مرتبط، استفاده می‌کنند (بهارگوا و لوونشتاین^۲، ۲۰۱۵).

اقدامات حمایت اجتماعی به‌عنوان مداخلات حیاتی، برای مقابله با کودکان کار ظاهر شده است. با این حال، اثربخشی مدل‌های متفاوت حمایت اجتماعی برای جلوگیری از کودکان کار توسط محققان دانشگاهی موردبررسی قرار نگرفته است و پیوندهای خاص بین کودک کار و خطمشی حمایت اجتماعی به‌طور کلی موردبررسی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد مداخلات حمایت اجتماعی اقداماتی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به برخی از علل ریشه‌ای مشکل کودکان کار، به‌ویژه فقر، آسیب و نوسانات درآمدی که زیربنای این شکل از استثمار اقتصادی است، رسیدگی کند. حمایت اجتماعی توسط مفسران دانشگاهی به‌عنوان «خطمشی اجتماعی جهانی»^۳ توصیف شده است و به‌طور کلی در خطمشی توسعه قرار گرفته است (فون گلیسچینسکی و لیزرینگ^۴، ۲۰۱۶).

ولف و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی تلنگرهای رفتاری برای آگاه‌سازی والدین و معلمان در جهت کاهش کودکان کار پرداختند. آن‌ها در این بررسی اظهار داشتند که «تحرك» هایی که موانع اطلاعاتی را رفع می‌کنند و برجستگی آموزش را برای والدین افزایش می‌دهند، می‌توانند برای کاهش کودکان کار نویدبخش باشند. در عین حال آن‌ها نشان دادند که اگر والدین به مشارکت در امور مدرسه تشویق شوند اما انگیزه معلم به دلیل آموزش ضعیف، افزایش حجم کاری و عدم حمایت حرفه‌ای پایین باشد، افزایش مشارکت ممکن است منجر به بهبود یادگیری کودکان و همچنین کاهش کودکان کار نشود (ولف و لیچند^۵، ۲۰۲۳).

یکی دیگر از مسائلی که در حوزه‌ی رفتاری و کودکان کار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، اقتصاد رفتاری می‌باشد. اقتصاد رفتاری نوید تغییر چهره استانداردهای اقتصاد مالی، اقتصاد سلامت، اقتصاد محیط‌زیست، اقتصاد توسعه و غیره را می‌دهد (کامر، لوونشتاین و رابین^۶، ۲۰۰۳؛ دایموند و وارتیانن^۷، ۲۰۱۲؛ دلاویگنا^۸، ۲۰۰۹). علاوه بر این اقتصاد رفتاری با هدف کمک به بحث در مورد خطمشی و مقررات عمومی به افراد کمک می‌کند تا اهداف و اقدامات خود را بهتر هماهنگ کنند (تالر و سانستاین^۹، ۲۰۰۳؛ تالر و سانستاین^۹، ۲۰۰۹؛ سانستاین، ۲۰۱۷).

1 Graf Lambsdorff

2 Bhargava and Loewenstein

3 global social policy

4 Von Gliszczynski and Leisering

5 Wolf, & Lichand

6 Camerer, Loewenstein and Rabin

7 Diamond and Vartiainen

8 DellaVigna

9 Thaler, & Sunstein

پیشینه تجربی

در بخش پیشینه پژوهش به بررسی و تحلیل منابع مرتبط با موضوع پژوهش اشاره شده است و نقشی حیاتی در این پژوهش ایفا کرده است. این مرحله به محقق کمک کرده است تا با مطالعات قبلی در زمینه تحقیق خود آشنا شود، متغیرهای تحقیق را شناسایی کرده و اهداف و سؤالات خود را در چارچوب اطلاعات موجود تنظیم می‌کند. در ادامه به مرور پیشینه پژوهش بر اساس کلیدواژه‌ها و مرور پایگاه‌های علمی پرداخته است.

کرمی (۱۴۰۱) به بررسی کودکان کار و خیابان در ایران: ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات تدوین طرح مداخله جامع پرداخت. افزایش جمعیت کودکان کار و خیابان به‌ویژه به دلیل همه‌گیری بیماری کرونا، نگرانی‌ها در خصوص این کودکان را افزایش داده است. در گزارش نخست از سلسله گزارش‌های کودکان کار و خیابان، قوانین و مقررات مرتبط با این حوزه موردبررسی قرار گرفت و در پژوهش حاضر به ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله‌ای پرداخته شده که نهادهای مختلف در راستای انجام وظایف قانونی خود به انجام رسانده‌اند. درنهایت در این پژوهش الزامات تدوین طرح مداخله جامع تشریح شده است. بیش از بیست سال از نخستین طرح‌های سامان‌دهی کودکان کار و خیابان می‌گذرد و نهادهای متولی، طرح‌های سامان‌دهی مختلفی در مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان طراحی و اجرا نموده‌اند. چالش‌هایی از جمله «عدم پوشش انواع مختلف کودکان کار و خیابان»، «غلبه رویکرد جمع‌آوری بر جذب»، «تقلیل توانمندسازی کودکان کار و خیابان به مساعدت مالی»، «غلبه نگاه کوتاه مدت به توانمندسازی به‌جای فرایندی دیدن آن»، «عدم پوشش کودکان اتباع»، «عدم اجماع در خصوص نحوه مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان»، «عدم ارتباط صحیح سمن‌ها با نهادهای دولتی» و «عدم توجه به ریشه‌های بروز پدیده کودکان کار و خیابان» از دلایل اصلی شکست طرح‌های مداخله در سامان‌دهی کودکان کار و خیابان بوده است. درنهایت در گزارش پیش رو «مفهوم شناسی گونه‌های کودکان کار و خیابان» و تفکیک کودکان کار، خیابان و زباله گرد، «شناسایی بسترهای بروز پدیده کودکان کار و خیابان» و همچنین «تهیه آمارهای دقیق از کودکان کار و خیابان» به‌عنوان سه الزام مهم در تدوین طرح مداخله جامع تشریح شده است.

خواجه نائینی و هاشمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی آسیب‌شناسی خط‌مشی‌های ساماندهی کودکان خیابانی در ایران پرداخته‌اند. این پژوهش با تحلیل محتوای منابع موجود درصدد آن است که به آسیب‌شناسی علل عدم موفقیت خط‌مشی‌های ساماندهی کودکان خیابانی در ایران بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های «ابهام در شناخت و تعریف مسئله، موازی کاری و تداخل وظایف نهادی، بی‌ثباتی و تغییر مداوم در خط‌مشی‌های اتخاذشده» از مهم‌ترین آسیب‌های خط‌مشی گذاری کودکان خیابانی در ایران است. پیشنهادها خط‌مشی این پژوهش این است که با تنقیح خط‌مشی‌هایی (شامل قوانین و مقررات مختلف صادرشده از سوی نهادهای مختلف) ساماندهی کودکان خیابانی در کشور می‌توان به یک بسته خط‌مشی واحد و اثرگذار در این حوزه دست‌یافت. از طرفی در این بسته خط‌مشی، تنظیم نهادی وظایف دستگاه‌های اجرایی باید به‌دقت و به‌دوراز کلی‌گویی انجام شود تا مرزهای دخالت نهادهای مختلف در ابعاد مختلف مسئله کودکان خیابانی مشخص شده و از فراق‌کنی‌های دستگاه‌های اجرایی در این حوزه جلوگیری شود. درنهایت اینکه، وجود یک تصویر و افق مورد اجماع ذینفعان مختلف این حوزه می‌تواند به ثبات خط‌مشی راه‌حل‌های اتخاذشده برای ساماندهی کودکان خیابانی در ایران کمک کند.

حقو^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی انتقادی قوانین و خط‌مشی‌های کودکان کار بنگلادش پرداخت. کودکان کار همچنان در بنگلادش گسترده است. این کشور کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل، کنوانسیون حداقل سن ILO و ... را تصویب کرده است.

دولت یک چارچوب قانونی و سیاستی برای حذف همه اشکال کودکان کار تا سال ۲۰۲۵ ایجاد کرده است. این پژوهش مقررات، سیاست‌ها و برنامه‌های ملی مربوطه کشور را برای شناسایی اختلافات و شکاف‌ها بررسی می‌کند. نویسنده انواع مختلفی از اسناد دولتی، از جمله قوانین، مقررات، خطمشی‌ها و گزارش‌ها و همچنین شواهد در حال ظهور را ارزیابی کرد. نتایج حاکی از آن است که چارچوب حقوقی و سیاستی کشور جامع و همسو با برنامه‌های بلندمدت توسعه است. نهادهای سازمانی برای اجرا و نظارت بر این سیاست‌ها و برنامه‌های طراحی شده برای کاهش کار کودکان همکاری می‌کنند. با این وجود، چند شکاف قابل توجه چارچوب را ناکافی، ناسازگار و ناکارآمد می‌کند. دولت هنوز چندین کنوانسیون مهم را تصویب نکرده است. اعمال قانون کار سال ۲۰۰۶ عمدتاً به بخش‌های رسمی محدود می‌شود، در حالی که بیشتر کار خطرناک کودکان در بخش کشاورزی غیررسمی و مشاغل خانگی رخ می‌دهد. در بسیاری از موارد، عدم وجود اسناد ثبت تولد، تعیین سن کودک را خودسرانه می‌کند. شواهد جدید حاکی از آن است که همه‌گیری کووید-۱۹ وضعیت را تشدید کرده است و کار خطرناک کودکان در مناطق شهری در حال افزایش است. با این حال، چارچوب فعلی فاقد مقررات قانونی در مورد کار خطرناک کودکان است و برنامه‌های حمایتی دولت ناکافی است. دولت باید سیاست‌های خود را بازنگری کند و برنامه‌هایی را با همکاری جوامع برای حفاظت از بهترین منافع کودکان توسعه دهد.

وولف و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان تلنگرهایی برای والدین و معلمان در جهت بهبود یادگیری و کاهش کودکان کار در ساحل عاج، به بررسی این پرداختند که آیا تلنگرهای^۱ مبتنی بر پیامک می‌تواند مشارکت والدین را افزایش دهد و نتایج یادگیری کودک را در زمینه‌های مختلف در مناطق روستایی غرب آفریقا بهبود بخشد؟ در این پژوهش در یک کار آزمایشی تصادفی سازی شده در یک مدرسه در ساحل عاج، پیام‌هایی برای معلمان و والدین دانش‌آموزان کلاس دوم و چهارم ارسال گردید. این پیام‌ها به سه صورت، فقط والدین، فقط معلمین و هر دو باهم ارسال شد. نتایج نشان داد که پیام‌هایی که برای والدین ارسال شده بود اثرات بیشتری بر کاهش کودکان کار داشت.

تیوانون و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی خود به بررسی کودکان کار، علل، پیامدها و خطمشی‌های مقابله با آن پرداختند. این مقاله به بررسی روند کودکان کار و ادبیات مرتبط با علل و پیامدهای آن می‌پردازد. محققین در این پژوهش اظهار داشتند که با اقداماتی مثل، تقویت حمایت اجتماعی برای مبارزه با فقر شدید، با سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش برای کودکان کار و با تشویق گسترش فناوری‌هایی که بدون کودکان کار امکان‌پذیر است، می‌توان شاهد کاهش کودکان کار بود. در حالی که اکثر کشورها قوانینی را اتخاذ کرده‌اند که کودکان کار را ممنوع می‌کند، این مقاله استدلال می‌کند که کشورها می‌توانند برای اجرای این قوانین و مقررات، در صورت لزوم، بازرسی‌های کار و سیستم‌های نظارتی را تقویت کنند و شیوه‌های تجاری مسئولانه را ترویج کنند.

دامرت و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی اثرات خطمشی عمومی بر کودکان کار پرداختند. از نظر این محققین، بسیاری از ابزارهای خطمشی را می‌توان برای پرداختن به کودکان کار یا تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها استفاده کرد، حتی اگر برای دستیابی به اهداف دیگر اجرا شوند. با این حال، از دیدگاه نظری، تأثیر این خطمشی‌ها بر کودکان کار نامشخص است. این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه برنامه‌های انتقال عموماً تمایل به کاهش کودکان کار دارند، سایر خطمشی‌ها خطر افزایش کودکان کار را دارند، به‌ویژه اگر بر فرصت‌های تولیدی خانوارها تأثیر بگذارند. یافته‌ها همچنین به شکاف‌های دانشی اشاره می‌کنند که باید در ارزیابی‌های

1 Nudging

2 Dammert et al

آتی مورد توجه قرار گیرد. درحالی که در دهه گذشته پیشرفت‌هایی حاصل شده است، هنوز چیزهای زیادی برای یادگیری در مورد تأثیرات خطمشی‌های عمومی بر مشارکت کار بسیاری از کودکان در کشورهای درحال توسعه وجود دارد.

مرور و بررسی مطالعات و پژوهش‌های مربوط به ساماندهی کودکان کار نشان می‌دهد که تدوین خطمشی برای تغییر رفتار کودکان کار به‌منزله یک دیدگاه یا راهبرد و یا خطمشی جدید برای موفقیت و تعالی سازمان‌ها امری لازم و ضروری است. می‌توان بیان کرد که در اغلب مطالعات به بررسی نقاط قوت و ضعف، موانع، راهکارها و ارائه خطمشی‌ها اکتفا شده و در هیچ‌یک از الگوها و پژوهش‌ها، بر روی تغییر رفتار کودکان کار تحقیقی صورت نگرفته و هر یک از آن‌ها بر جنبه یا جنبه‌هایی از این مؤلفه‌ها تمرکز داشته‌اند. ازاین‌رو در این پژوهش رویکرد متفاوتی اتخاذ می‌شود. مطالعات موجود مرتبط با کودکان کار بیشتر به کشورهای توسعه‌یافته مربوط می‌شود؛ بااین‌حال، شواهد بسیار کمی از تغییر رفتار کودکان کار و خطمشی‌گذاری‌های مرتبط با آن در کشورهای درحال توسعه و ازجمله ایران وجود دارد. این پژوهش به دنبال ارائه الگویی برای خطمشی‌گذاری در جهت تغییر رفتار کودکان کار می‌باشد و نمی‌توانیم از رویکرد فراترکیب بهره بگیریم. روش پژوهش مورد استفاده در این رساله بنا به ماهیت اکتشافی آن، تحلیل مضمون خواهد بود. در این راهبرد تأکید بر جدایی زمینه از موضوع پژوهشی نیست بلکه تأکید بر دیدن موضوع در بستر پژوهش و اطلاعات زندگی واقعی از سوی دیگر می‌باشد تا اصول و نظریه‌های علمی در پشت دیوارهای دانشگاه باقی نمانند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش فعلی از نظر هدف، توسعه‌ای و روش تحقیق کیفی با مبانی فلسفی تفسیرگرایی و از نوع تحلیل مضمون است. مضمون بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در مورد سؤالات پژوهش است و تا حدی معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. قلمرو پژوهش از نظر زمان مربوط به سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بوده است و از نظر موضوع مربوط به خطمشی‌گذاری و مراحل اصلی چرخه خطمشی است. به‌منظور گردآوری داده‌ها، دو رویکرد میدانی و روش کتابخانه‌ای وجود دارد. در این پژوهش ابتدا با مطالعه و بررسی اسناد بالادستی و همچنین مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته مضامین مربوطه استخراج شد. مضامین با استفاده از روش‌های کیفی همچون تحلیل مضمون به چارچوب تبدیل شد. لازم به ذکر است که در هنگام انتخاب خبره، از افراد با چندین سال سابقه در این زمینه در تحقیق استفاده می‌شود و همچنین با توجه به ماهیت حوزه اجرا، باید از مدیران اجرایی باشند. برای تعیین مصاحبه‌شوندگان از دو گروه خبرگان دانشگاهی و خبرگان اجرایی بهره بردیم. اولین گروه در بخش کیفی خبرگان علمی که در زمینه کودکان کار تالیفاتی ازجمله مقاله، کتاب، ... داشتند و از حداقل رتبه استادیار برخوردار هستند. در بخش دوم مدیران رده‌بالا و دارای سوابق اجرایی و به‌اصطلاح خبرگان آگاه و خطمشی‌گذار بودند که برای مصاحبه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی تحقیق، از روش نمونه‌گیری قضاوتی و در دسترس استفاده شد که در حد دستیابی به اشباع نظری مصاحبه‌ها انجام شده است. انتخاب خبره به روش گلوله برفی انجام گرفته است. هدف از اجرای این روش آن است که هر شخص مصاحبه‌شونده، با توجه به موضوع تحقیق، یک خبره دیگر را نیز معرفی کرده است.

جدول ۲. فهرست مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	کد مصاحبه	تحصیلات	سن	سابقه	جنسیت
مصاحبه اول	J	کارشناسی ارشد، مدیر	۶۲	۳۲	مرد
مصاحبه دوم	S	کارشناسی ارشد، مدیر	۴۷	۱۵	مرد
مصاحبه سوم	M	کارشناسی ارشد، مدیر	۴۱	۱۵	مرد
مصاحبه چهارم	A	کارشناسی ارشد، مدیر	۵۶	۱۲	مرد
مصاحبه پنجم	AG	کارشناسی ارشد، مدیر	۳۸	۸	مرد
مصاحبه ششم	T	دکتری، مدرس دانشگاه	۵۳	۲۴	زن
مصاحبه هفتم	B	دکتری، مدرس دانشگاه	۴۵	۱۶	زن
مصاحبه هشتم	So	دکتری، مدرس دانشگاه	۴۰	۳۳	مرد
مصاحبه نهم	H	کارشناسی ارشد، مدیر	۳۸	۱۲	مرد
مصاحبه دهم	K	دکتری، مدرس دانشگاه	۴۴	۲۰	زن
مصاحبه یازدهم	V	کارشناسی ارشد، مدیر	۵۱	۲۲	مرد
مصاحبه دوازدهم	N	دکتری، مدرس دانشگاه	۴۲	۱۷	مرد

در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند روش متوالی یا متواتر استفاده شد. در این روش‌ها به‌جای انتخاب یک نمونه ثابت حجم نمونه آن‌قدر افزایش می‌یابد تا زمانی که دیگر کافی باشد (بانگینگ^۱، ۲۰۰۲). حجم نمونه پژوهش پس از مصاحبه با نفر دوازدهم، اشباع نظری حاصل شد. رویکرد انتخاب افراد خبره بدین صورت بوده است که در مرحله نخست با یکی از مدیران با تجربه که سابقه فعالیت بیش از ۳۰ سال در خصوص کودکان کار و خط‌مشی‌گذاری حوزه آسیب‌های اجتماعی داشته است، شروع و پس از آن بر اساس جستجو در پایگاه‌های علمی برای شناسایی خبرگان علمی و پرسش از مدیران اجرایی برای معرفی خبرهای اجرایی روند انتخاب اعضای نمونه ادامه تا اشباع نظری پیدا کرد.

به‌منظور تعیین پایایی و روایی کدهای استخراجی، روش ارزیابی لینکولن و گوبا (۱۹۸۵) جهت اعتبارسنجی پژوهش‌های کیفی براساس چهار محور اعتبارپذیری، تاییدپذیری، تکرارپذیری و اثبات‌پذیری استفاده شده است. در حوزه اعتبار از آن‌جایی که پژوهشگر در حوزه کودکان کار دغدغه مند بوده است و در موسسات خیریه مرتبط با کودکان کار سابقه فعالیت داشته است؛ با فرهنگ، زبان و دیدگاه‌های افراد و کودکان کار کاملاً آگاهی داشته است و چهار سال در محیط تحقیق فعلی زندگی کرده است؛ همین امر موجب غرق شدن در داده‌ها و افزایش دامنه تحقیقات و مشاهدات شده است؛ هم‌چنین در بخش اعتبار سعی شده است که از ترکیب افراد خبره از گروه‌های مختلف در حین فرآیند پژوهش استفاده شود تا اعتبار مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها افزایش یابد. در بخش قابلیت ثبات، یکی از اساتید مشاور حاضر در این پژوهش که حوزه فعالیت‌های پژوهشی خود را در حوزه کودکان کار قرار داده است به‌عنوان داور، فرآیند مصاحبه و کدگذاری را کنترل کرده است. در قسمت تأیید پذیری یافته‌های حاصل از کدگذاری برای دو نفر از اساتید دانشگاه ارسال شده است و از آن‌ها خواسته شده است نظرات اصلاحی خود را بیان کنند. انتقال‌پذیری اشاره به این دارد که یافته‌های مطالعه تا چه حدی در دیگر گروه‌ها یا جاها قابل انتقال یا استفاده است. دیدگاه‌ها و تجارب گوناگون مشارکت کنندگان مختلف در مورد یک پدیده یا همان اصل حداکثری تنوع باعث افزایش قابلیت انتقال یافته‌ها می‌گردد که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری بعضی از نقل و قول‌های افراد مصاحبه شونده گزارش شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش در جدول ۴ نمایش داده شده است که حاصل پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش یعنی چارچوب عوامل مؤثر بر خطامشی گذاری رفتاری برای ساماندهی کودکان کار چیست؟ در این مرحله مفاهیم به دست آمده مورد بررسی قرار گرفته، سپس پژوهشگر مفاهیمی که از نظر معنی و مفهوم به یکدیگر نزدیک هستند و به اصطلاح قرابت معنایی با یکدیگر دارند را در یک گروه قرار داده و به خلق معانی و واژه‌های جدید می‌پردازد. در حقیقت پژوهشگر مفاهیم را در قالب مؤلفه‌های فرعی و در نهایت مقوله‌های اصلی دسته‌بندی می‌کند. کدهای زیر کلمات یا عباراتی هستند که مصاحبه‌شوندگان بیان نموده‌اند، در جدول ۳ نمونه‌ای از متن مصاحبه‌ها، کدهای باز مستخرج شده است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیل گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل مضمون‌ها متفاوت هستند. کدگذاری را می‌توان به صورت دستی یا از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری انجام داد. در این مرحله ۵۹۸ مفهوم از مصاحبه‌ها به دست آمد. در جدول ۳ نمونه‌ای از فرآیند به دست آوردن مفاهیم از داده‌ها مشاهده می‌گردد. برای آشنایی بیشتر با این چگونگی این دسته‌بندی‌ها، یک نمونه در زیر آورده شده است. همان گونه که بیان شد پس از استخراج مضامین، در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مضمونی واحد قرار می‌گیرد؛ بنابراین انبوه داده‌ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. در مرحله دوم یعنی ساختن مؤلفه‌های فرعی، مجموع کدهای توصیفی حاصل از مرحله اول در دسته‌های مرتبط به هم قرار گرفتند، در مجموع ۵۹۸ مفهوم در این مرحله به دست آمد که در ادامه و قسمت‌های بعدی با استفاده از آن‌ها به ساختن مؤلفه‌های فرعی و مقوله‌های اصلی اقدام شد.

جدول ۳. نمونه‌ای از فرآیند به دست آوردن مفاهیم از داده‌ها

شناسه	متن عبارت مصاحبه	کدهای باز	عناوین مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
Rj1	بله ما در حوزه کودکان کار با چالش‌ها و موانع قانونی بسیاری روبرو هستیم که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان عدم حضور آن‌ها در مدارس و کسب آموزش مناسب توسط این کودکان هست	عدم حضور در مدارس	محرومیت‌های آموزشی و تحصیلاتی	
Rj2		کسب آموزش مناسب		
Rj3	بسیاری از این کودکان به مدرسه نرفته و یا در صورتی هم که به مدرسه بروند از سطح آموزشی مناسب و تمرکز کافی برای درس خواند بهره‌مند نمی‌شوند؛ حداقل نیازهای زندگی و زیستی باید برای این کودکان فراهم باشد بهداشت و خوراک و آموزش از جمله مهم‌ترین این موارد هستند	سطح آموزشی مناسب		
Rj4		تمرکز کافی		
Rj22	کمک به سایر اعضای خانواده و بالغان جهت اشتغال و کسب درآمد تا این بار از روی دوش کودکان برداشته شود و از فرصت‌های تحصیلی و توسعه‌ای بیشتری برخوردار شوند	اشتغال و کسب درآمد	فرصت‌های توسعه‌ای - آموزشی	آگاه‌سازی، آموزش، پشتیبانی روانی و اجتماعی
Rj23		فرصت‌های تحصیلی		
Rj24		فرصت‌های توسعه‌ای		
Rj25	وضعیت زندگی و شیوه گذران آنچه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی نامناسب بوده و آسیب‌های زیادی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند	کمک به سایر اعضای خانواده		
۲VRm	جهت اقدامات بنیادین و اساسی باید از آموزش خانواده‌ها و سرپرستان این کودکان و تشریح اوضاع و آینده کودکان برای آن‌ها اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی‌های اساسی را ترتیب داد	اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی‌ها		

شناسه	متن عبارت مصاحبه	کدهای باز	عناوین مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
RA23	و آگاهی‌رسانی شهروندان و افراد از این فجایع و خطرات می‌تواند نقش مؤثری در شیوه مدیریت و کنترل و مانعی جهت ارتکاب این موارد باشد.	آگاهی‌رسانی شهروندان	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی	
RA33	باید سطح آگاهی و اطلاع‌رسانی کودکان را افزایش داد و اصول اخلاقی را به آن‌ها آموزش داد چون تا زمانی که آن‌ها ندانند و اطلاعی نداشته باشند نمی‌توان انتظار تغییر رفتار از آن‌ها را نیز داشت بهترین شیوه مشارکت دادن خود این کودکان در توسعه فردی‌شان هست و آن‌هم از طریق اطلاع رسانه و آگاه‌سازی آن‌ها و آموزش‌های متناسب صورت خواهد گرفت.	افزایش سطح آگاهی و اطلاع‌رسانی		

در ادامه و در جدول ۴، مؤلفه‌های فرعی و مقوله‌های اصلی تشکیل‌دهنده چارچوب شناسایی شده آورده شده است.

جدول ۴. مؤلفه‌های فرعی و مقوله‌های اصلی اجرای خطمشی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
۱	توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نهادهای مسئول کودکان کار	بودجه، امکانات و منابع سازمان بهزیستی کشور	بسته‌های حمایتی مالی
۲			فراهم‌سازی خدمات بهداشتی درمانی
۳			حمایت از خانواده‌ها و شغل یابی
۴		شرایط کلان اقتصادی و سیاسی کشور (تحریم‌ها و بحران‌ها)	توانایی رسیدگی به مشکلات مالی و معیشتی خانواده‌های کودکان کار
۵			وجود بحران‌های اقتصادی محیطی
۶			در نظر گرفتن عوامل کلان سیاسی و اقتصادی
۷			میزان رفاه اقتصادی کشور
۸	بررسی و بازبینی خطمشی‌های کلان	آگاهی از حقوق و دسترسی به مشاوران حقوقی	تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی کودکان (نهادهای ساز رفتارها)
۹		نگرش جامع از نیازها تا فرایندها و اجرای مسائل کودکان کار	بررسی نتایج و ارزشیابی طرح‌ها و کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برگزار شده
۱۰		نیازسنجی و شناخت مسائل کودکان کار	نیازهای اولیه
۱۱		نیازسنجی و شناخت مسائل کودکان کار	شناسایی نقص‌ها و ضعف‌های سیستم‌های خطمشی‌گذاری
۱۲		نیازسنجی و شناخت مسائل کودکان کار	بررسی و شناسایی آسیب‌های روانی
۱۳		نیازسنجی و شناخت مسائل کودکان کار	کمک به افزایش عزت‌نفس و حس مثبت کودکان و خانواده‌هایشان
۱۴		توانمندسازی (رفتاری و مهارتی) و افزایش رضایت کودکان و خانواده‌های آن‌ها	بررسی احساس رضایتمندی و میزان رضایتمندی
۱۵		توانمندسازی (رفتاری و مهارتی) و افزایش رضایت کودکان و خانواده‌های آن‌ها	توسعه فردی و توانمندسازی
۱۶		توانمندسازی (رفتاری و مهارتی) و افزایش رضایت کودکان و خانواده‌های آن‌ها	نقش دولت و نهادهای وابسته
۱۷		توانمندسازی (رفتاری و مهارتی) و افزایش رضایت کودکان و خانواده‌های آن‌ها	ایجاد هماهنگی
۱۸	همسوسازی اهداف و عملکرد نهادها، سازمان‌ها و برنامه‌ها و ...	هماهنگی و جهت‌دهی مناسب طرح‌ها	زمان‌بندی و مدیریت زمان
۱۹		هماهنگی و جهت‌دهی مناسب طرح‌ها	تعارض در خطمشی‌ها و خطمشی‌گذاری‌ها
۲۰		هماهنگی و جهت‌دهی مناسب طرح‌ها	

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
۲۱		اعتمادسازی و شفافیت در روندها	شفافسازی روندها و منافع
۲۲			اعتمادسازی
۲۳		ایجاد طرح‌های حمایتی و پشتیبانی	حمایت‌های اجتماعی
۲۴			حمایت و پشتیبانی دولت
۲۵	عدم اطمینان محیطی	شناخت ابهامات و بسترهای محیطی	محیط امن و بسترهای محیطی
۲۶			وجود فسادهای مالی اداری و ایجاد بحران‌های مالی برای خانوارها
۲۷			ابهام و شرایط عدم اطمینان
۲۸			شناسایی عوامل کلان فرهنگی و اجتماعی
۲۹		شناسایی مؤلفه‌های ارزشی و هنجاری	رعایت الزامات رفتاری
۳۰			اخلاق‌مداری
۳۱			شناسایی فرصت‌های توسعه و موفقیت
۳۲			توسعه و پیشرفت جامعه
۳۳		مشارکت و درگیر سازی شهروندان و کلیه نهادهای تصمیم‌گیرنده در حیطه کودکان کار	سازوکارهای مشارکت و همکاری ذینفعان
۳۴			دغدغه مندی و درگیر سازی شهروندان
۳۵			ایجاد تقویت مثبت و بیان انتقادات و پیشنهادهای آزادانه
۳۶	قانون‌گذاری و تدوین خط‌مشی‌ها	حاکمیت قانون و شفافیت خط‌مشی‌ها	متمرکز سازی تصمیمات
۳۷			مرجع واحد در قانونی گذاری
۳۸			مرجع واحد تصمیم‌گیری
۳۹			خط‌مشی زدگی در تصمیمات
۴۰			کارایی و اثربخشی طرح‌ها و تصمیمات مسئولین
۴۱			فرایندهای تصمیم‌گیری
۴۲		اصلاح و بروز رسانی و چابک سازی فرایندها	تعدد قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها
۴۳			شدت و سخت‌گیری قوانین
۴۴			همسوسازی قوانین و عمل
۴۵			همسوسازی قوانین و خط‌مشی گذاری‌ها (نهادهای سازمان‌ها و ...)
۴۶			بروز رسانی قوانین و مقررات
۴۷		پاسخگو سازی مسئولین و متولیان حوزه کودکان کار	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
۴۸			سود و منافع بلندمدت
۴۹	توسعه مهارت‌های مدیریتی متولیان	تخصص گرایی و حرفه‌ای سازی مدیران و مسئولان	مشاوران متخصص و حرفه‌ای
۵۰			تجربه و مهارت مدیران
۵۱			میزان مهارت و ویژگی‌های شخصیتی روانشناسان و مددکاران
۵۲		توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی	پیش‌زمینه‌های تغییر
۵۳			حل مسائل به‌صورت ریشه‌ای و نهادی
۵۴		برنامه‌ریزی دقیق و کاربردی جهت نظارت بر وضعیت کودکان کار	مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح
۵۵			برنامه‌ریزی استراتژیک

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
۵۶			در نظر گرفتن سیستم‌های پاداش و تنبیه
۵۷	تغییر نگرش و رفتارهای دست‌اندرکاران و عموم	تغییر نگرش و رفتارهای دست‌اندرکاران و عموم	تغییر نگرش و رفتار
۵۸			نگرش مثبت
۵۹			ایده و نظرهای جدید
۶۰			تنوع و پیچیدگی وظایف
۶۱			ساماندهی مشاغل و تقسیم وظایف
۶۲		مهندسی مجدد فرایندها	مشکلات ساختاری
۶۳			ارزشیابی‌ها، کنترل و نظارت
۶۴			پیگیری و اقدامات مستمر
۶۵			استمرار و پیگیری
۶۶			ارائه گزارش عملکرد و بازخورد
۶۷			شاخص‌ها و معیارهای سنجش
۶۸	طراحی و تغییر سازوکارهای رفتاری	نظارت بر وضعیت کودکان کار و ارزیابی تأثیر برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها	تعاملات سازنده و ارتباطات و همگانی سازی
۶۹			تبلیغ از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی
۷۰			گسترش ابزارهای اجتماعی
۷۱			ایجاد ابزار و ضمانت‌های اجرایی طرح‌ها و مصوبات
۷۲			حیطه کودکان کار
۷۳		مدیریت بهینه طرح‌ها و اطلاعات	تسریع در اقدامات اجرایی و فرایندها
۷۴			عمل‌گرایی (اقدام مناسب و در زمان مناسب)
۷۵			الگوپذیری از کشورهای موفق در مباحث پیرامون کودکان کار (الگوهای عملکردی و رفتاری)
۷۶			تعیین بهترین شیوه‌های اجرایی سازی طرح‌ها
۷۷			شناسایی محرومیت‌های آموزشی و تحصیلاتی
۷۸	توسعه حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار	آگاه‌سازی، آموزش، پشتیبانی روانی و اجتماعی	شناسایی فرصت‌های توسعه‌ای - آموزشی
۷۹			انگیزه بخشی و ارائه مشوق‌ها به کودکان و خانواده‌هایشان
۸۰			ایجاد و توسعه ابزارهای مناسب آموزشی کودکان کار
۸۱			آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به عموم و مسئولین در خصوص نیازمندی‌های آموزشی و اطلاعاتی
۸۲		ایجاد شهرت و اعتبار برای سازمان بهزیستی (اعتمادسازی به سازمان)	ایجاد شهرت و اعتبار برای سازمان بهزیستی و نهادهای وابسته
۸۳			ترغیب و ترویج رفتارهای مناسب
۸۴			حضور گروه‌های مرجع در سازمان و اعلام حمایتشان از کودکان کار
۸۵			تشکیل کمپین‌ها و انجمن‌های حمایتی
۸۶			تشویق انجام رفتارهای شهروندی و مثبت
۸۷	ابزارهای داوطلبانه اجرایی	آموزش و پرورش	مدارس و کلاس‌های آموزشی
۸۸			کلاس‌های خاص
			آموزش مهارت‌های زندگی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
۸۹		حمایت‌های روانی و اجتماعی	آموزش مهارت های زندگی روزمره
۹۰			مشاوره و روان درمانی
۹۱			گروه‌های حمایتی
۹۲			جلسات مشاوره‌ای
۹۳			گروه‌های مشترک به اشتراک گذاری تجربیات
۹۴		فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی	ورزش و بازی
۹۵			بازی‌های گروهی
۹۶			برنامه‌های هنری و موسیقی
۹۷		کمپین‌های آگاهی‌رسانی	رسانه‌های اجتماعی
۹۸			شبکه‌های اجتماعی
۹۹			انتشار پیام‌های مثبت
۱۰۰			پوسترها و بروشورها
۱۰۱			توزیع اطلاعات آموزشی
۱۰۲	ابزارهای اجباری اجرایی	اجرای قوانین و مقررات	قوانین کودک کار
۱۰۳			اجرای قوانین سختگیرانه
۱۰۴			جلوگیری از استخدام کودکان
۱۰۵			نظارت و بازرسی
۱۰۶			نظارت مداوم بر کارگاه‌ها
۱۰۷		تداخل قانونی	مداخله‌های قضایی
۱۰۸			دادگاه‌ها و مراجع قانونی
۱۰۹			پلیس اجتماعی
۱۱۰		برنامه‌های اجباری آموزشی	کلاس‌های اجباری
۱۱۱			آموزش‌های تخصصی
۱۱۲			جریمه‌های مالی کودکان
۱۱۳		تحریم‌های مالی و قانونی	جریمه‌های مالی کارفرمایان
۱۱۴			محرومیت کارفرمایان از تسهیلات
۱۱۵			محرومیت کارفرمایان از مجوزهای خاص

با مطالعه داده‌ها و اطلاعات استخراج شده درنهایت، ۲۵۷ شاهد گفتاری، ۶۳۳ کد باز (مفهوم اولیه)، ۱۱۵ مضمون پایه، ۳۳ مضمون سازمان دهنده و ۱۰ مضمون فراگیر شناسایی شدند که این مضامین و مفاهیم عمدتاً از مصاحبه‌ها بدست آمدند، این مفاهیم بارها توسط محقق بازمی‌بینی و اصلاح شد و مفاهیم مشابه و یکسان در یک دسته قرار گرفتند. در مرحله‌ی سوم تحلیل داده‌ها، به مولفه‌های فرعی که در مرحله قبل بدست آمدند و با توجه به ادبیات موضوع و حساسیت نظری، هشت مقوله اصلی تخصیص داده شد که چارچوب خط‌مشی گذاری رفتاری برای ساماندهی کودکان کار در قالب شبکه‌ی مضامین ارائه گردید.

خط‌مشی‌های رفتاری در حوزه کودکان کار مجموعه‌ای از راهبردها و اقدامات هستند که هدف آن‌ها بهبود شرایط زندگی کودکان کار و کاهش معضل کودکان کار است. این خط‌مشی‌ها با تغییر رفتارهای موجود در کودکان، خانواده‌ها و جامعه می‌توانند تأثیرات مثبتی داشته باشند. خط‌مشی‌ها و ابزارهای مختلفی وجود دارند که برای تغییر رفتار کودکان کار به کار گرفته می‌شوند. این

خطمشی‌ها شامل برنامه‌های آموزشی، حمایت‌های روانی و اجتماعی، مقررات قانونی و آگاهی‌رسانی عمومی هستند. سیاست‌های رفتاری، استراتژی‌های جامعی هستند که با هدف تغییر رفتارها و شرایطی که منجر به کار کودکان می‌شوند، هستند. این سیاست‌ها می‌تواند شامل طیف وسیعی از رویکردها باشد، مانند ایجاد مدارس و برنامه‌های آموزشی اختصاصی برای کودکان کار که با نیازهای خاص آن‌ها تطبیق یافته است. ارائه مهارت‌های حرفه‌ای و آموزش‌های فنی که می‌تواند به کسب مهارت و یافتن شغل بهتر کمک کند. ارائه خدمات روان‌شناسی برای کمک به کودکان در برخورد با استرس‌ها و تجربیات سخت زندگی. تدارک فضاهایی که در آن‌ها کودکان می‌توانند به صورت ایمن بازی کنند و در فعالیت‌های اجتماعی شرکت نمایند. برگزاری کمپین‌های آگاهی‌رسانی برای تغییر نگرش‌های عمومی نسبت به کار کودک و تشویق مشارکت فعالانه جامعه در حمایت از کودکان کار و تلاش برای تغییر وضعیت آن‌ها. استفاده از داستان‌های الهام‌بخش درباره افرادی که توانسته‌اند با تغییر رفتار و تلاش، زندگی بهتری بسازند و ایجاد داستان‌هایی که کودکان کار بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و در آن‌ها خود را ببینند؛ از سوی دیگر می‌توان ابزارهای تغییر رفتار کودکان را به دو دسته کلی داوطلبانه و اجباری تقسیم بندی کرد. هر دسته ابزارهای خاص خود را دارد که به کودکان کمک می‌کند تا رفتارهای مثبت را پذیرفته و بهبود یابند که ابزارهای داوطلبانه شامل ایجاد کلاس‌های خاص برای کودکان کار و آموزش‌هایی که به کودکان کمک می‌کند در زندگی روزمره بهتر عمل کنند؛ جلسات مشاوره‌ای که به کودکان کمک می‌کند با مشکلات خود مواجه شوند یا گروه‌هایی که کودکان در آن‌ها می‌توانند تجربیات خود را به اشتراک بگذارند، فعالیت‌های ورزشی و بازی‌های گروهی که همکاری و تعامل را تقویت می‌کند، برنامه‌های هنری و موسیقی که به کودکان کمک می‌کند احساسات خود را بیان کنند، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار پیام‌های مثبت و توزیع اطلاعات آموزشی در مکان‌های عمومی. ابزارهای اجباری شامل اجرای قوانین سختگیرانه برای جلوگیری از استخدام کودکان در کارهای خطرناک، نظارت مداوم بر کارگاه‌ها و محیط‌های کاری که کودکان در آن‌ها فعالیت می‌کنند، دادگاه‌ها و مراجع قانونی که در صورت نقض قوانین کار کودک مداخله می‌کنند، پلیس نیروهایی که وظیفه دارند از حقوق کودکان دفاع کنند، کلاس‌هایی که حضور در آن‌ها برای کودکان کار اجباری است، برنامه‌های آموزشی که به کودکان کمک می‌کند مهارت‌های حرفه‌ای را یاد بگیرند. اعمال جریمه‌های مالی بر کارفرمایانی که قوانین کار کودک را نقض می‌کنند، محرومیت کارفرمایان متخلف از دسترسی به تسهیلات و مجوزهای خاص. هر دو دسته از این ابزارها می‌توانند به کاهش کار کودک و بهبود شرایط زندگی آنان کمک کنند.



شکل ۲. چارچوب مفهومی استخراجی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارائه چارچوبی از عوامل اثرگذار بر خط‌مشی گذاری رفتاری برای ساماندهی کودکان کار بوده است و در این راستا پس از مصاحبه با دوازده نفر از خبرگان اشباع نظری حاصل شده است و پس از کدگذاری نشانگرهای مصاحبه، مقوله‌های اصلی شناسایی شدند. عبارت «خط‌مشی گذاری رفتاری و کودکان کار» نشان‌دهنده بحث یا تحقیقی است در مورد اینکه چگونه خط‌مشی‌های رفتاری می‌توانند به‌طور مؤثر طراحی و اجرا شوند تا به موضوع کودکان کار رسیدگی شود. این امر مستلزم نیاز به رویکردهای خط‌مشی‌گذاری است که بر رفتارها در سطوح مختلف - فردی، سازمانی و اجتماعی - برای ریشه‌کن کردن شیوه‌های کودکان کار تأثیر می‌گذارد. این می‌تواند شامل ایجاد آگاهی، اجرای قوانین و پرورش محیط‌هایی باشد که در آن کودکان بتوانند بدون وظیفه کاری رشد کنند؛ به‌طور خلاصه، هدف این پژوهش با تأکید بر اهمیت راهبردهای رفتاری در مبارزه با کودکان کار، به تلاقی مهم بین خط‌مشی گذاری و حمایت از حقوق کودکان اشاره می‌کند تا معضل کودکان کار در جامعه کمتر شود.

پرداختن به کودک کار نیازمند رویکردی چندوجهی است که ابزارهای خطمشی رفتاری را در بر می‌گیرد. راهبردهای مؤثر باید کودکان، خانواده‌ها و جوامع را درگیر کند و درعین‌حال آموزش و حمایت‌های قانونی را ارتقا دهد. بخش‌های زیر جنبه‌های کلیدی این ابزار را تشریح می‌کند. خطمشی‌های کودک محور و مشارکت دادن کودکان در بحث‌های سیاستی منجر به راه‌حل‌های مؤثرتری می‌شود، زیرا بینش آن‌ها می‌تواند شیوه‌ها و حمایت‌های بهتری را بیان کند (مایرز و بویدن^۱، ۱۹۹۸). کمپین‌های آگاهی عمومی و افزایش آگاهی در مورد پیامدهای کودک کار می‌تواند نگرش‌های اجتماعی را تغییر دهد و والدین و کارفرمایان را تشویق کند تا مسئولیت‌های کودکان را با توانایی‌های خود هماهنگ کنند (مایرز و بویدن، ۱۹۹۸). مداخلات آموزشی آموزش یارانه‌ای و ارائه مشوق‌های مالی برای خانواده‌ها می‌تواند با دسترس تر کردن آموزش، اتکا به کودکان کار را کاهش دهد، بنابراین به علل ریشه‌ای کودکان کار رسیدگی می‌کند (مظاهری^۲، ۲۰۱۲). اجرای فرصت‌های آموزشی برای کودکانی که قبلاً در حال کار هستند، می‌تواند به ادغام مجدد آن‌ها در سیستم آموزشی رسمی کمک کند (روزاتی و لیون^۳، ۲۰۰۶). چارچوب‌های قانونی و نظارتی تقویت قانون‌گذاری و دولت‌ها باید قوانینی را اجرا کنند که از کودکان در برابر شیوه‌های کار استثمارگرانه محافظت می‌کند و از طریق نظارت و مجازات از رعایت آن‌ها اطمینان حاصل می‌کند (هاسپلز و جنکانیش^۴، ۲۰۰۰). اتحادیه‌های کارگری می‌توانند از حقوق کودکان کار دفاع کنند و اطمینان حاصل کنند که کارفرمایان به استانداردهای قانونی در مورد کودکان کار پایبند هستند (هاسپلز و جنکانیش، ۲۰۰۰). درحالی‌که این استراتژی‌ها بر کاهش کودکان کار تمرکز دارند، برخی استدلال می‌کنند که نیازهای اقتصادی فوری ممکن است خانواده‌ها را وادار کند که درآمد کوتاه‌مدت را بر مزایای آموزشی بلندمدت اولویت دهند. این امر پیچیدگی پرداختن به کودک کار را برجسته می‌کند که تعادل بین حمایت فوری و راه‌حل‌های پایدار را ضروری می‌کند (مظاهری، ۲۰۱۲).

خطمشی رفتاری و کودکان کار همچنان یک موضوع مهم جهانی است و میلیون‌ها کودک درگیر کارهایی هستند که آن‌ها را از دوران کودکی، تحصیلات و ... محروم می‌کند. درک و پرداختن به این موضوع از طریق خطمشی برای ایجاد راه‌حل‌های پایدار بسیار مهم است. در زیر کاوش مفصلی از مؤلفه‌ها درگیر ارائه شده است. ۱. شناخت ریشه عوامل اقتصادی فقر: بسیاری از خانواده‌ها زیرخط فقر زندگی می‌کنند و آن‌ها را وادار می‌کند تا فرزندان خود را برای تکمیل درآمد خانوار به کار بفرستند. این چرخه‌ای ایجاد می‌کند که در آن کودکان به‌جای رفتن به مدرسه کار می‌کنند و فقر را در نسل‌ها تداوم می‌بخشد.

نرخ بالای بیکاری در میان بزرگسالان می‌تواند منجر به افزایش اتکا به کودکان کار به‌عنوان یک نیاز مالی شود. عدم دسترسی به آموزش و پرورش: در بسیاری از مناطق، به‌ویژه مناطق روستایی، دسترسی به آموزش باکیفیت محدود است. مدارس ممکن است دور باشند، بودجه ضعیفی داشته باشند یا منابع کافی نداشته باشند که اولویت دادن آموزش به درآمد فوری را برای خانواده‌ها دشوار می‌کند. هنجارهای فرهنگی: در برخی از فرهنگ‌ها این باور وجود دارد که کودکان باید از سنین پایین در درآمد خانواده مشارکت داشته باشند و این امر منجر به عادی‌سازی کودکان کار می‌شود.

مداخلات رفتاری مشوق آموزش و حواله‌های نقدی مشروط: برنامه‌هایی که به خانواده‌ها کمک مالی می‌کنند که مشروط به نگه‌داشتن فرزندان‌شان در مدرسه هستند، می‌توانند به‌طور مؤثری کودکان کار را کاهش دهند. به‌عنوان مثال کشورهایمانند برزیل و مکزیک چنین برنامه‌هایی را با موفقیت اجرا کرده‌اند. بورسیه‌ها و وعده‌های غذایی رایگان: ارائه بورسیه تحصیلی یا غذای رایگان در

1 Myers & Boyden

2 Mazaheri

3. Rosati & Lyon

4 Haspels & Jankanish

مدرسه می‌تواند خانواده‌ها را تشویق کند تا آموزش را در اولویت قرار دهند و نیاز کودکان به کار را کاهش دهد. کمپین‌های آگاهی بخشی به جامعه: مشارکت دادن جوامع از طریق کارگاه‌ها و سمینارها برای برجسته کردن اثرات مضر کودک کار می‌تواند ادراکات را تغییر دهد. داستان‌های موفقیت‌آمیز کودکانی که از آموزش بهره‌مند شده‌اند می‌توانند به‌عنوان انگیزه‌های قدرتمندی عمل کنند. کمپین‌های رسانه‌ای: استفاده از رسانه‌های اجتماعی، رادیو و تلویزیون برای انتشار اطلاعات در مورد اهمیت آموزش و حقوق کودکان می‌تواند به تغییر نگرش‌های اجتماعی کمک کند.

قانون‌گذاری اجرای خط‌مشی چارچوب‌های قانونی قوی: تصویب و اجرای قوانینی که کودکان کار را در همه اشکال ممنوع می‌کند ضروری است. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که این قوانین به‌خوبی منتشر شده و توسط جوامع قابل‌درک است. مقررات صنایع: صنایعی که به کودکان کار معروف هستند، مانند کشاورزی و نساجی، باید تحت نظارت دقیق قرار گیرند و پاسخگو باشند. جمع‌آوری داده‌های نظارت و ارزیابی: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل منظم داده‌ها در مورد شیوع کودکان کار و دسترسی آموزشی به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا اثربخشی مداخلات خود را درک کنند.

همکاری با ذینفعان سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های اجتماعی مشارکت: همکاری با سازمان‌های غیردولتی (NGO) که بر حقوق کودک، آموزش و کاهش فقر تمرکز دارند، می‌تواند دامنه و اثربخشی مداخلات را افزایش دهد. مشارکت محلی: توانمندسازی رهبران جامعه و سازمان‌های محلی برای در دست گرفتن مالکیت مسائل مربوط به کودکان کار، راه‌حل‌های مردمی را تقویت می‌کند که از نظر فرهنگی مرتبط و پایدار هستند. رویکردهای یکپارچه برنامه‌های دولت: پیشگیری از کودکان کار باید بخشی از خط‌مشی‌های اقتصادی و آموزشی گسترده‌تر باشد. به‌عنوان مثال، بهبود فرصت‌های شغلی بزرگسالان می‌تواند نیاز اقتصادی برای کودکان کار را کاهش دهد. هماهنگی بین سازمانی: همکاری بین سازمان‌های دولتی مختلف (آموزش، کار، خدمات اجتماعی) رویکردی جامع برای مقابله با کودکان کار را تضمین می‌کند.

پرداختن به کودک کار از طریق خط‌مشی رفتاری نیازمند رویکردی چندوجهی است که ابعاد اقتصادی، آموزشی و اجتماعی موضوع را در نظر می‌گیرد. جوامع می‌توانند با درک علل ریشه‌ای و اجرای مداخلات هدفمند، محیطی را ایجاد کنند که در آن کودکان آزادانه یاد بگیرند و رشد کنند و در نهایت چرخه فقر و کودکان کار را بشکنند. مشارکت ذینفعان مختلف، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و جوامع، برای تقویت تغییرات پایدار ضروری است؛ در ادامه بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی برای ساماندهی کودکان کار ارائه می‌شود:

- برای رسیدگی و سازمان‌دهی مؤثر تلاش‌ها علیه کودکان کار، ابزارهای خط‌مشی رفتاری زیر را در نظر بگیرید:
- ≠ کمپین‌های آگاه‌سازی هدف: آموزش جوامع در مورد تأثیرات منفی کار کودکان. ابزارها: کارگاه‌های آموزشی، جلسات اجتماعی و کمپین‌های رسانه‌های اجتماعی برای آگاه کردن والدین و کودکان در مورد اهمیت آموزش و خطرات کار کودکان.
- ≠ برنامه‌های تشویقی هدفمند: خانواده‌ها را تشویق کنید تا کودکان را در مدرسه نگه دارند. ابزارها: حواله‌های نقدی مشروط یا کمک‌هزینه تحصیلی که به خانواده‌هایی که تضمین می‌کنند فرزندانشان به‌طور منظم مدرسه می‌روند، حمایت مالی می‌کند.
- ≠ سیستم‌های نظارتی و گزارش‌گیری هدف: موارد کار کودکان را ردیابی کرده و از رعایت قوانین کار اطمینان حاصل کنید. ابزارها: سیستم‌های نظارتی مبتنی بر جامعه را ایجاد کنید که در آن داوطلبان محلی موارد کودک کار را گزارش می‌کنند که توسط یک خط تلفن برای گزارش دهی ناشناس پشتیبانی می‌شود.

- ≠ مشارکت با سازمان‌های غیردولتی هدف: استفاده از تخصص و منابع برای مبارزه با کار کودکان. ابزارها: همکاری با سازمان‌های غیردولتی که در زمینه رفاه کودکان تخصص دارند برای اجرای برنامه‌هایی که آموزش و آموزش حرفه‌ای را برای کودکان بزرگتر فراهم می‌کنند.
- ≠ چارچوب‌های قانونی هدف: تقویت قوانین علیه کودکان کار. ابزارها: از اجرای مقررات و مجازات‌های سخت‌گیرانه‌تر برای کارفرمایانی که از کار کودکان سوءاستفاده می‌کنند، حمایت می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که قوانین به‌خوبی تبلیغ و درک می‌شوند.
- ≠ هدف مشارکت جامعه: درگیر کردن رهبران محلی و ذینفعان در مبارزه با کار کودکان. ابزارها: کمیته‌های اجتماعی را تشکیل دهید که شامل والدین، معلمان و رهبران محلی می‌شود تا راهبردهایی را برای کاهش کار کودکان در مناطق خود به بحث بگذارند و توسعه دهند.
- ≠ مداخلات رفتاری هدف: تغییر نگرش نسبت به کار کودک. ابزارها: برای تغییر دیدگاه‌های جامعه، از تلنگرهای رفتاری، مانند پوسترها در مدارس و محل‌های کار که مزایای آموزش را بر کار تبلیغ می‌کنند، استفاده کنید.
- ≠ برنامه‌های توسعه مهارت هدف: ارائه مهارت‌هایی به کودکان بزرگتر برای فرصت‌های شغلی بهتر. ابزارها: برنامه‌های آموزش حرفه‌ای که جوانان را برای بازار کار آماده می‌کند و نیاز اقتصادی خواهر و برادر کوچکتر را برای کار کاهش می‌دهد.
- ≠ خدمات حمایتی هدف: ارائه کمک به خانواده‌های نیازمند. ابزارها: دسترسی به خدمات اجتماعی که مراقبت‌های بهداشتی، امنیت غذایی و مشاوره مالی را برای کاهش فشارهای اقتصادی که منجر به کودکان کار می‌شود، ارائه می‌دهد.
- ≠ مکانیسم‌های ارزیابی و بازخورد هدف: ارزیابی اثربخشی مداخلات. ابزارها: بررسی‌های منظم و جلسات بازخورد با اعضای جامعه برای ارزیابی تأثیر برنامه‌ها و انجام تنظیمات لازم. با اجرای این ابزارها، جوامع می‌توانند رویکردی جامع برای مبارزه با کار کودکان ایجاد کنند و محیطی را ایجاد کنند که آموزش و رفاه کودکان را در اولویت قرار دهد.
- ≠ پیشنهاد می‌شود به جای تمرکز روی جلوگیری از کار کودک (که ممکن است خیلی سخت باشد)، می‌توانیم رفتارهای مثبتی را که به بچه‌ها کمک می‌کند تا از انجام کار منصرف شوند روی بیاوریم؛ به طور مثال اگر بچه‌ای به جای کار کردن به مدرسه برود باید به او پاداش داده شود که این پاداش می‌تواند از چیزهای بسیار کوچک و ساده‌ای مثل تعریف و تمجید باشد.
- ≠ ارائه کمک‌های مالی به خانواده‌ها به شرطی که کودکان آن‌ها به مدرسه بروند و کار نکنند و ارائه فرصت‌های شغلی و آموزشی به والدین برای افزایش درآمد خانواده و کاهش نیاز به کار کودکان.
- ≠ برگزاری کمپین‌ها و برنامه‌های آگاهی‌رسانی برای تغییر نگرش جامعه نسبت به کار کودک و جلب حمایت عمومی و آموزش جامعه درباره حقوق کودکان و اهمیت حمایت از آن‌ها برای جلوگیری از کار کودکان.
- ≠ طراحی بازی‌های آموزشی که کودکان با شرکت در آن‌ها مهارت‌های جدید و رفتارهای مثبت را یاد بگیرند و فعالیت‌های گروهی که همکاری و تعامل مثبت را در کودکان تقویت می‌کند.
- ≠ استفاده از تلنگرهای ساده‌سازی به طور مثال فرایند دسترسی به خدمات حمایتی اجتماعی (مثل کمک‌های مالی، خدمات درمانی، یا آموزش‌های حرفه‌ای برای والدین) رو ساده‌تر کنیم. اگر دسترسی به این خدمات سخت باشد، خانواده‌ها ممکن است به ناچار به کودکان کار روی بیاورند. سادگی دسترسی به این خدمات تلنگری برای انتخاب گزینه‌های بهتر هست.

≠ استفاده از تلنگرهای اجتماعی به طور مثال نمایش تصاویر یا داستان‌هایی از موفقیت کودکان که به جای کار کردن، به تحصیل پرداخته‌اند. این کار می‌تواند به خانواده‌ها و خود بچه‌ها نشان بدهد که آموزش و تحصیل جایگزین بهتری نسبت به کار هست. یا میتونیم از "استانداردهای اجتماعی" استفاده کنیم، مثلاً با تاکید بر ارزش تحصیل در بین اعضای جامعه.

≠ استفاده از تلنگرهای تشویقی به طور مثال ارائه پاداش‌های کوچک (نه لزوماً مالی) به خانواده‌هایی که کودکان‌شان رو به مدرسه می‌فرستند یا از کار بیرون میارند. این پاداش‌ها می‌تواند خدمات رایگان بهداشتی یا کمک غذایی باشد (باید مراقب بود که پاداش‌ها به نحوی طراحی شوند که به‌عنوان رشوه تلقی نشوند).

≠ استفاده از تلنگرهای قاب‌بندی به طور مثال به جای گفتن "کار کودک اشتباهه"، می‌توان گفت که "آموزش فرصت‌های بهتری برای آینده کودک فراهم میکند". این نوع قاب‌بندی بر روی جنبه مثبت تمرکز دارد.

منابع

چیت‌سازیان، علیرضا؛ نوروزی، میکائیل. (۱۴۰۱). *طراحی مدل ابزارهای تغییر رفتار عموم در خط مشی رفتاری مبتنی بر اندیشه شهید مطهری*. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. ۱۴ (۳). ۳۳۸-۴۲۳

خواجهنائینی، علی و هاشمی، صفیه سادات. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست‌های ساماندهی کودکان خیابانی در ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*. ۱۰ (۳۶)، ۱۴۲-۱۶۲.

کریمی، فرشاد (۱۴۰۱). کودکان کار و خیابان در ایران: ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات تدوین طرح مداخله جامع. *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، دفتر مطالعات اجتماعی (گروه آسیب‌های اجتماعی).

- Abadi, N. N., & Javan, F. (2021). Analysis of barriers to tourism policy in the urban environments. *Urban Environmental Planning and Development*. Issue 3 Vol. 1 Autumn, 1-16.
- Anderson, E. J. (2011). *Public policymaking: an introduction*. boston:wadsworth publishing.
- Anderson, J. E., Moyer, J., & Chichirau, G. (2022). *Public policymaking*. Cengage Learning.
- Anne, L., Schneider., Helen, Ingram. (1990). 5. Behavioral Assumptions of Policy Tools. *The Journal of Politics*, doi: 10.2307/2131904
- Atar, E. (2022). Eugene Bardach and Eric M. Patashnik, A Practical Guide for Policy Analysis: The Eightfold Path to More Effective Problem Solving.
- Banha, F., Flores, A., & Coelho, L. S. (2022). A new conceptual framework and approach to decision making in public policy. *Knowledge*, 2(4), 539-556.
- Banning, E. B. (2002). *Archaeological survey*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers. <https://doi.org/10.1007/978-1-4615-0769-7>
- Bhargava, S., & Loewenstein, G. (2015). Behavioral economics and public policy 102: Beyond nudging. *American Economic Review*, 105(5), 396-401.
- Camerer, C., Issacharoff, S., Loewenstein, G., O'donoghue, T., & Rabin, M. (2003). Regulation for Conservatives: Behavioral Economics and the Case for "Asymmetric Paternalism". *University of Pennsylvania law review*, 151(3), 1211-1254.
- Cejudo, G. M., & Michel, C. L. (2021). Instruments for policy integration: How policy mixes work together. *SAGE Open*, 11(3), 21582440211032161.

- Chitsazian, Alireza; Nowrozi, Mikael. (2022). *Designing the model of public behavior change tools in behavioral policy based on the thought of Shahid Motahari*. Faculty of Management, University of Tehran. 14(3). 338-423 (in Persian).
- Dammert, A. C., De Hoop, J., Mvukiyeh, E., & Rosati, F. C. (2018). Effects of public policy on child labor: Current knowledge, gaps, and implications for program design. *World development*, 110, 104-123.
- Daugbjerg, C., & McConnell, A. (2021). Rethinking disproportionate policy making by introducing proportionate politics. *Policy Sciences*, 54(3), 691-706.
- DellaVigna, S. (2009). Psychology and economics: Evidence from the field. *Journal of Economic literature*, 47(2), 315-72.
- Dewies, M., Denktas, S., Giel, L., Noordzij, G., & Merkelbach, I. (2022). Applying behavioural insights to public policy: An example from Rotterdam. *Global Implementation Research and Applications*, 2(1), 53-66.
- Diamond, P., & Vartiainen, H. (Eds.). (2012). *Behavioral economics and its applications*. Princeton University Press.
- Elmore, R. E. (2014). Organizational models of social program implementation. *In Policy Process* (pp. 241-271). Routledge.
- Graf Lambsdorff, J. (2015). Preventing corruption by promoting trust: insights from behavioral science (Vol. 69, No. 15). Passauer Diskussionspapiere-Volkswirtschaftliche Reihe.
- Hallsworth, M., & Sanders, M. (2016). Nudge: Recent developments in behavioural science and public policy. *Beyond behaviour change*, 113-134.
- Hoque, M. M. (2024). A Critical Review of Bangladesh's Child Labor Regulations and Policies. *World Development Sustainability*, 100177.
- Howlett, M., Mukherjee, I., & Woo, J. J. (2018). Thirty years of research on policy instruments. *Handbook on policy, process and governing*, 147-168.
- Isidro, Maya, Jariego. (2021). 6. A Practical Guide to Improving the Results of Preventive Actions Against Child Labor. doi: 10.1007/978-3-030-70810-8_9
- John, P., & Stoker, G. (2019). Rethinking the role of experts and expertise in behavioural public policy. *Policy & Politics*, 47(2), 209-225.
- Khajenaeni, A., & hashemi, S. (2020). Pathology of Street Children's Recording Policies in Iran. *Strategic Studies of public policy*, 10(36), 142-162. (in Persian).
- Lasswell, H. D. (1956). The political science of science: An inquiry into the possible reconciliation of mastery and freedom. *American Political Science Review*, 50(4), 961-979.
- Lasswell, H. D. (1971). From fragmentation to configuration. *Policy Sciences*, 2, 439-446.
- Lyon, F. C., Rosati. (2006). 4. Tackling child labor: policy options for achieving sustainable reductions in children at work. *Research Papers in Economics*,
- Mazaheri, J. H. (2012). *George Eliot's Spiritual Quest in Silas Marner*. Cambridge Scholars Publishing.
- McGann, M., Blomkamp, E., & Lewis, J. M. (2018). The rise of public sector innovation labs: experiments in design thinking for policy. *Policy Sciences*, 51(3), 249-267.
- Nelien, Haspels, Michele, Jankanish. (2000). 2. Action Against Child Labour.
- Rosati, F. C., & Lyon, S. (2006). *Non-Formal education approaches for child labourers: an issue paper*. Understanding Children's Work (UCW) Project and the University of Rome 'Tor Vergata.' Available: http://www.ucw-project.org/attachment/standard_NFE_and_CL_17nov2006.pdf.

- Straßheim, H. (2015). *Politics and policy expertise: towards a political epistemology*. *Handbook of critical policy studies*, 319.
- Thaler, R. H., & Sunstein, C. R. (2003). Libertarian paternalism. *American economic review*, 93(2), 175-179.
- Thaler, R. H., & Sunstein, C. R. (2009). *Nudge: Improving decisions about health, wealth, and happiness*. *Penguin*.
- Thévenon, O., & Edmonds, E. (2019). Child labour: Causes, consequences and policies to tackle it.
- UNICEF. (2022). The role of social protection in the elimination of child labour: evidence review and policy implications.
- Von Gliszczynski, M., & Leisering, L. (2016). Constructing new global models of social security: How international organizations defined the field of social cash transfers in the 2000s. *Journal of Social Policy*, 45(2), 325-343.
- William, E., Myers., Jo, Boyden. (1998). 1. Child Labour: Promoting the Best Interests of Working Children. Second Edition.
- Wolf, S., & Lichand, G. (2023). Nudging parents and teachers to improve learning and reduce child labor in Cote d'Ivoire. npj *Science of Learning*, 8(1), 37.
- Zaighum, Abbas, Mazhar. (2012). 3. Child Labour in Pakistan: Including the Excluded: Subsidized Education and Subsidy: Tools to Combat the Worst Forms of Child Labour.

